

رئیس مرکز اطلاعات مالی ضمن مؤثر دانستن تصویب کنوانسیون CFT در شبکه‌سازی و اجماع بین‌المللی برای پیگیری منافع ملی و اقتصادی به‌ویژه تعلیق اقدامات تقابلی علیه ایران و اتباع ایرانی، از اعلام رسمی الحاق به این کنوانسیون به FATF بعد از اتمام فرآیند تودیع سند نزد سازمان ملل متحد خبر داد و مهم‌ترین اقدامات پیش رو برای عادی‌سازی پرونده کشور در این نهاد بین‌المللی را تشریح کرد.

هادی خانی دبیر شورای عالی پیشگیری و مقابله با پولشویی و تأمین مالی تروریسم، اجرای کامل و دقیق قوانین و مقررات مبارزه با پولشویی و تأمین مالی تروریسم داخلی که منطبق با استانداردهای بین‌المللی به تصویب مجلس شورای اسلامی و مجمع تشخیص مصلحت نظام در سال ۱۳۹۷ رسیده را اولین اقدام ضروری برشمرد. این مقام مسئول گفت: اوایل امسال ۸۶۱ اقدام در جهت رفع و اصلاح فرآیندهای مستعد پولشویی و فساد در قالب «برنامه اقدام جمهوری اسلامی ایران در مبارزه با پولشویی و تأمین مالی تروریسم» به ۴۱ دستگاه اجرایی ابلاغ شده است، چراکه بارها اشاره کردیم که FATF دو مأموریت اصلی را در جهان دنبال و بر اساس آن، کشورها را رتبه‌بندی می‌کند؛ اول اینکه استانداردهای این نهاد در کشورها قانون شود که ایران این کار را انجام داد و دوم اینکه کشورها اثبات کنند که قانون را اجرا کرده‌اند.

وی افزود: برنامه اقدام داخلی ابلاغ شده به دستگاه‌ها علاوه بر اینکه به ریشه فساد و پولشویی در کشور حمله می‌کند، محتوای مورد نیاز برای دفاع از اقدامات کشور در مراجع بین‌المللی و حفظ اعتبار و حیثیت ملی را نیز مهیا می‌سازد.

عضویت فوری

رئیس مرکز اطلاعات مالی، عضویت فوری ایران در یکی از گروه‌های منطقه‌ای ۹گانه FATF با هدف تعریف مسیر ارزیابی اقدامات کشور را دومین گام اساسی برشمرد.

خانی تصریح کرد: اصلی‌ترین دلیل قرار گرفتن ایران در لیست سیاه، عدم عضویت کشور در یکی از گروه منطقه‌ای FATF بود که ایران را کشور غیرهمکار معرفی کردند و به مرور زمان چالش‌های ما با این گروه عمیق‌تر شد. وی درباره اهمیت عضویت در گروه‌های منطقه‌ای FATF توضیح داد: این نهاد ناظر بین‌المللی یا از طریق گروه‌های منطقه‌ای و یا از طریق بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول عملکرد کشورها را ارزیابی می‌کند و متأسفانه عدم عضویت ما در یکی از گروه‌های منطقه‌ای نظیر گروه اوراسیا که همگی کشورهای دوست و همسوی ما هستند، موجب شده است که برگه امتحان ما توسط فوق متخصصان بین‌المللی و با سخت‌گیرانه‌ترین شیوه‌های ممکن تصحیح شود.

این مقام مسئول بر تسریع فرآیند قانونی عضویت ایران در گروه‌های منطقه‌ای FATF تأکید و ابراز امیدواری کرد که تا قبل از نشست آتی گروه منطقه‌ای اوراسیا مجوز عضویت کشورمان به مرکز اطلاعات مالی داده شود تا مجموعه اقدامات و تلاش‌های معمول در عادی‌سازی پرونده کشور با این نهاد بین‌المللی با داشتن تریبون رسمی در سریع‌ترین زمان ممکن و با گرفتن تمام بهانه‌های موجود به سرانجام برسد.

کرسی‌های پژوهشی

دبیر شورای عالی پیشگیری و مقابله با پولشویی و تأمین مالی تروریسم در گام سوم، بر حضور پررنگ نخبگان کشور در تدوین و به‌روزرسانی توصیه‌ها و استانداردهای FATF تأکید کرد. رئیس مرکز اطلاعات مالی، راه‌اندازی کرسی‌های پژوهشی و تحقیقاتی در دانشگاه‌ها و مراکز علمی کشور در خصوص فرصت‌ها و تهدیدها و مدیریت چالش‌های دانی با استاندارد‌های بین‌المللی در حوزه پولشویی و تأمین مالی تروریسم و مشارکت حداکثری نخبگان در ارائه پیشنهاد‌های مرتبط با منافع ملی از طریق مشارکت در به‌روزرسازی و اصلاح استانداردها و توصیه‌های این نهاد بین‌المللی را یک ضرورت دانست.

وی از دانشگاه‌های کشور خواست، راه‌اندازی کرسی‌های علمی و پژوهشی در این خصوص را هم‌اکنون آغاز کنند و خود را برای حضور فعال و مطالبه‌گر در جلسات کارشناسی مرتبط و حتی حضور در گروه‌های ارزیابی عملکرد سایر کشورها آماده کنند.

به گفته رئیس مرکز اطلاعات مالی، اقدامات کشور در مبارزه با پولشویی و تأمین مالی تروریسم در مقایسه با سایر کشورها، آن قدر عمیق و پیشران بوده و هست که می‌تواند قابلیت تأثیرگذاری در به‌روزرسازی استانداردهای این حوزه در سطح جهان را داشته باشد و کشورمان را به یک کنشگر فعال در این حوزه تبدیل کند.

«احمد بخارایی» در گفت‌وگو با «آرمان ملی»:

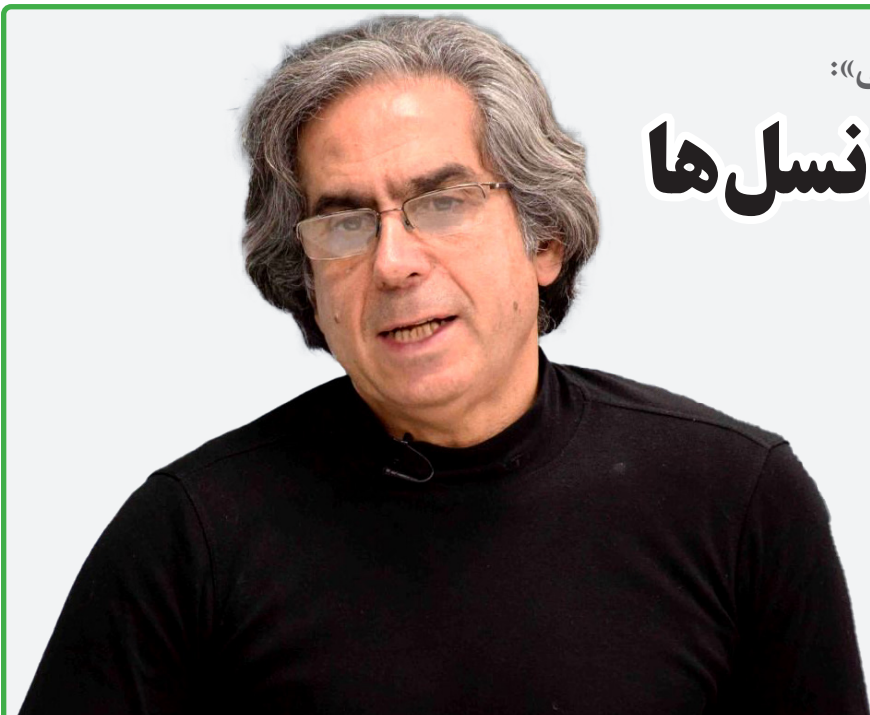
پل گفت‌وگوی بین‌نسل‌ها باید برقرار شود



نمی‌توان همه چیز را نامیدکننده دید

کاهش شکاف دولت-ملت آینده را روشن ترمی‌کند

میدان دادن به جامعه اعتماد عمومی را تقویت می‌کند



آرمان ملی- سیاوش پورعلی: در دهه‌های اخیر، جامعه ایران همانند بسیاری از جوامع در حال توسعه، با چالش‌های اقتصادی متعددی مواجه بوده است که بخشی از آن به دلیل ناکارآمدی داخلی و بخش دیگر به دلیل تحریم‌های خارجی ظهور کرده‌اند. چالش‌هایی که نه تنها در عرصه معیشت و رفاه عمومی اثر گذاشته‌اند، بلکه پیامدهای اجتماعی و فرهنگی مختلفی را به همراه داشته‌اند. تورم مزمن، بیکاری گسترده به‌ویژه در میان جوانان و فارغ‌التحصیلان، کاهش قدرت خرید طبقه متوسط و کارگری و افزایش فاصله طبقاتی از جمله عواملی هستند که به انباشت مطالبات اجتماعی و احساس بی‌عدالتی در میان طبقات جامعه ختم خواهد شد. در چنین شرایطی، فشار اقتصادی صرفاً به عنوان یک مسئله مالی یا معیشتی مطرح نیست، بلکه به پدیده‌ای اجتماعی و روانی تبدیل می‌شود که بر همبستگی اجتماعی، اعتماد عمومی و سرمایه اجتماعی تأثیر مستقیم دارد و باعث کم‌رنگ شدنش می‌شود. این فشارها، اگر به‌صورت ساختاری و پایدار ادامه یابند، زمینه‌ساز شکاف‌های اجتماعی می‌شوند؛ شکاف‌هایی که میان طبقات اقتصادی، گروه‌های سنی، مناطق جغرافیایی و حتی نگرش‌های فرهنگی و جنسی شکل می‌گیرد. هنگامی که گروهی از جامعه احساس می‌کند از چرخه فرصت‌ها و منابع کنار گذاشته شده است، احساس تعلق و اعتمادش نسبت به نظام سیاسی و اجتماعی تضعیف می‌شود. در نتیجه، انسجام ملی آسیب می‌بیند و جای آن را انفعال

اجتماعی می‌گیرد. در چنین وضعیتی، شکاف میان دولت و ملت می‌تواند گسترش یابد و سرمایه اجتماعی که مهم‌ترین پشتوانه ثبات هر جامعه است، به تدریج فرسوده شود. از این رو، ترمیم این شکاف‌ها صرفاً یک انتخاب سیاسی یا اقدامی از سردلسوزی نیست، بلکه ضرورتی حیاتی برای حفظ پایداری نظام اجتماعی و سیاسی است. حاکمیت در هر جامعه‌ای وظیفه دارد نه تنها در جهت توسعه اقتصادی گام بردارد، بلکه با سیاست‌گذاری‌های عادلانه و شفاف، حسن مشارکت و اعتماد را در میان شهروندان تقویت کند. استفاده از ظرفیت‌های جامعه اعم از نخبگان علمی، بخش خصوصی، سازمان‌های مردم‌نهاد، و خود مردم، می‌تواند راهکاری مؤثر برای عبور از بحران‌های اقتصادی و بازسازی اعتماد عمومی باشد. این مشارکت اجتماعی، علاوه بر افزایش بهره‌وری و کارآمدی تصمیمات اقتصادی، نوعی احساس مالکیت جمعی نسبت به آینده کشور ایجاد می‌کند که خود عاملی کلیدی در تقویت انسجام ملی است. در این مورد و برای پرداختن به اینکه چالش‌های اقتصادی که ادامه دارند به روابط اجتماعی بین ملت و دولت چه آسیب‌هایی می‌زند و چرا حاکمیت باید این فاصله را کاهش دهد یا احمد بخارایی، استاد دانشگاه و جامعه‌شناس سیاسی گفت‌وگویی انجام دادیم. او در این مورد معتقد است افزایش مشارکت اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و... می‌تواند به ترمیم شکاف دولت-ملت کمک کند. در ادامه این مصاحبه را می‌خوانید.

این حال، اگر پل گفت‌وگو میان نسل‌ها برقرار نشود این شکاف نسلی به بحرانی جدی تبدیل خواهد شد.

عدم دسترسی به فرصت‌های برابر اقتصادی چه آسیبی به اعتماد عمومی خواهد زد؟

در کنار بحران‌هایی که چالش‌های اقتصادی به وجود می‌آورند، اعتماد عمومی را هم باید به آن اضافه کرد. در طول سال‌ها، وعده‌های اقتصادی تحقق نیافته و فقدان شفافیت اقتصادی، اعتماد جامعه و شهروندان را به شدت تضعیف کرده است. توجه داشته باشید که تکیه صرف به بهبود مدیریت و ترمیم چالش‌های اقتصادی، بدون بازسازی اعتماد و تغییرات نهادی مدنی، پاسخ‌گوی مطالبات انباشته جامعه نخواهد بود. باین همه، نمی‌توان همه چیز را نامیدکننده دید. همانطوری که اشاره کردم جامعه دهه‌ها در مقابل بحران‌های مختلف ایستادگی کرده است که این تجربه خود نشان دهنده ظرفیت‌های موجود اجتماعی است. امید در رفتارهای خودجوش اجتماعی، همبستگی‌های کوچک و تلاش‌های مدنی این جامعه قابل مشاهده خواهد بود.

بازسازی این شکاف چقدر می‌تواند برای حاکمیت اهمیت داشته باشد؟

با بهبود شرایط اقتصادی و اجرای وعده‌های انباشته شده می‌توان اعتماد عمومی را احیا کرد البته باز هم دشواری‌های خود را خواهد داشت، باید تأکید کنیم که اعتماد پیش‌شرط همه تحول‌های مثبت است. حاکمیت باید در عمل نشان دهد که به مطالبات جامعه اهمیت می‌دهد و در تصمیم‌گیری‌ها شفافیت کامل دارد و شهروندان را در حکمرانی مشارکت می‌دهد. همچنین تقویت نهادهای مدنی، میدان دادن به رسانه‌های مستقل و کنار گذاشتن نگاه خودی و غیرخودی در مدیریت کشور برای ترمیم شکاف دولت و ملت ضروری است. من واقع‌گرا هستم اما امیدوار، جامعه‌کنونی هرچند آسیب‌دیده ولی بارها نشان داده که از دل بحران‌های می‌تواند فرصت‌های جدید پیدا کند، اگر مسئولان با مردم همدل شوند و اصلاحات لازم را در دستور کار قرار دهند، جامعه هم‌بستگی و کنش مدنی را تقویت می‌کند و در نتیجه آینده روشن‌تری در انتظار خواهد بود. با همه حاشیه‌های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی باز هم می‌توان به ظرفیت‌های اجتماعی برای ساختن آینده‌ای بهتر امیدوار بود.

اسماعیل گرامی مقدم

شکاف طبقاتی کافیت؛ شکاف‌های جدید اجتماعی ایجاد نکنید!

درصدی است. این به معنای کاهش ۳۰ تا ۴۰ درصدی قدرت خرید مردم و فشار اقتصادی و عدم تأمین اولویت‌ها برای یک زندگی عادی است. حال ما به این همه فشار، فشار اجتماعی هم به واسطه ستاد امر به معروف و نهی از منکر اضافه کنیم، این به نظر عقلایی نمی‌رسد و در جهت برهم زدن وحدت ملی و انسجام عمومی است. امیدواریم نهاد‌های بالادستی و دیگر نهاد‌های مسئول در پاسخ به این مسئله توجه کنند. این فعال سیاسی درباره اینکه آیا این نوع اقدامات می‌تواند باعث بروز شکاف بین مردم و حاکمیت گفت: ما به عنوان فعالان سیاسی و کسانی که کار حزبی می‌کنیم، با مردم کف خیابان ارتباط داریم و نظم جامعه و درجه حرارت جامعه در دست ماهاست چرا که ما گروه‌های مرجع هستیم. قبل از سال ۱۴۰۱، این اختراها را دادیم. دوستان ما، همفکران و خود من بارها مصاحبه کرده و هشدارهایی دادیم که این نوع برخوردهای اجتماعی با توجه به فشار اقتصادی از یک جایی بیرون می‌زند و دیدیم که چه هزینه‌های سنگینی به کشور وارد شد. نماینده سابق مجلس ادامه داد: اکنون جامعه همین طور است. وقتی جامعه تحت فشار قرار می‌گیرد، نارضایتی به وجود می‌آید و این نارضایتی به‌طور خودکار در جاهای دیگر عمل می‌کند. در همه کشورها هم به همین شکل است. فکر نکنیم که ایران یک جامعه جدا افتاده از دنیا است؛ همه انسانیم و نیازهای روزمره خود را داریم.

در جهت برهم زدن وحدت ملی کار کرده است. گرامی مقدم بیان کرد: مردم ایران دارای نخله‌های متفاوتی هستند. اکثریت مردم مسلمان هستند، اما اعتقادات و سبک زندگی آن‌ها متنوع است و هیچ اشکالی ندارد. مادر کلان کشور باید در برابر دشمنان وحدت داشته باشیم و در برابر حمله خارجی متحد باشیم، اما باید اجازه دهم مردم در کنار هم بدون خشونت و بدون حب و بغض زندگی کنند. اگر یک خانم حجاب دارد و یک خانم دیگر حجاب ندارد، اینها باید با نگاه مهربانانه و با نگاه هم‌وطنی به یکدیگر نگاه کنند. نه اینکه بر سر یکی فشار و زور باشد و برای دیگری آزادی. قطعاً بسیاری از خانم‌های با حجاب و مردم متدین ما حاضر نیستند که کسی به زور بخواد آنها را به پوشش خاص و مطلوب خود ملزم کند. این خدشه به اصل دین و احکام دین است. وی ادامه داد: به نظر می‌رسد که عده‌ای فراتر از قانون و احکام حکومتی به دنبال مطامع پاندی و جناحی خود هستند و اجازه نمی‌دهند که مردم راضی باشند. اگر مردم از مسئولان و حاکمیت رضایت داشته باشند، در انتخابات پرشور شرکت می‌کنند و بسیاری از مسائل آن‌ها قابل حل خواهد بود و رضایتمندی ایجاد می‌شود. سخنگوی حزب اعتماد ملی عنوان کرد: در شرایطی که کشور تحت تحریم گسترده است، درآمدها پایین و هزینه‌ها بالاست. در همین چند روز اخیر، ما شاهد افزایش قیمت دلار ۱۱۰ و ۱۲۰ هزار تومان بودیم که نشان دهنده افزایش ۴۰

ساختار

ذره بین

سه ستار یوپیتش روی انصارا... یمین

آینده حوثی‌ها چه خواهد شد؟

با توافق آتش بس میان حماس و اسرائیل، انصارا... یمین نیز از پایان جنگ غزه حمایت کرد. در حالی که یمینی‌ها با حملات موشکی و پهپادی به اسرائیل و هدف قرار دادن نفتکش‌ها در دریای سرخ، هزینه جنگ غزه را برای اسرائیل و حامیانش بالا برده بودند. اکنون با پایان جنگ غزه، پرسش اینجاست که گام بعدی حوثی‌ها چیست و آنها در شرایط جدید چگونه عمل می‌کنند؟

تنگه باب‌المندب

از سال ۲۰۱۵ (۱۳۹۴) تاکنون، حوثی‌ها بر بخش بزرگی از یمین کنترل و نفوذ دارند. با این حال، جنگ داخلی و هجوم عربستان و امارات و متحدان آنها به یمین هنوز امکان ثبات و آرامش را به این کشور نداده است. حوثی‌ها از سوی کشورهای منطقه و اروپا، مورد حمایت ایران قلمداد می‌شوند. هرچند که مقامات رسمی ایران تأکید دارند که این گروه سیاست‌ها و تصمیمات مستقلی اتخاذ می‌کند. همزمان با آغاز جنگ حماس و اسرائیل، انصارا... یمین حملات دریایی و موشکی خود در دریای سرخ را به سطحی تازه ارتقا دادند. آنها به‌ویژه مسیرهای تجاری حیاتی در باب‌المندب و دریای سرخ را هدف قرار دادند و اعلام کردند که هیچ کشتی با پرچم اسرائیل از حملات حوثی‌ها در امان نیست. این اقدام نه تنها به معنی همبستگی با فلسطینی‌ها بود بلکه حکایت از گسترش توان عملیاتی این گروه در منطقه داشت. از سوی دیگر، اکثریت تحلیلگران تأکید دارند که این حملات صرفاً اقدامی ایدئولوژیک نیست؛ بلکه بخشی از تلاش انصارا... برای کسب مشروعیت داخلی، تقویت جایگاه منطقه‌ای و خلق اهرم فشار بر دیگر بازیگران منطقه‌ای محسوب می‌شود.

توافق واشنگتن و انصارا...

در چنین شرایطی، حملات مکرر به کشتی‌های تجاری، اختلال در تجارت جهانی و افزایش هزینه‌های بیمه و ناوبری در مسیر دریای سرخ، نگرانی‌های امنیتی و اقتصادی گسترده‌ای را به دنبال داشت. با گسترش حملات حوثی‌ها آمریکا همراه با انگلیس و دیگر متحدان خود کارزار حملات هوایی را علیه مواضع حوثی‌ها در یمین آغاز کرد تا آنان را از ادامه حملات دریایی بازدارد، اما این حملات چندان کارساز نبود و عمان به عنوان میانجی برای پایان حملات و دستیابی به توافق وارد عمل شد. در ۶ مه ۲۰۲۵ (۱۶ دیبهمشت ۱۴۰۴) براساس توافقی که میان واشنگتن و انصارا... با میانجی‌گری عمان تنظیم شده ایالات متحده به بمباران مواضع حوثی‌ها پایان می‌دهد. در مقابل حوثی‌ها نیز پذیرفتند که حملاتشان علیه کشتی‌های متعلق به ایالات متحده در دریای سرخ و تنگه باب‌المندب را متوقف کنند، اما توافق شامل اقدامات حوثی‌ها علیه اسرائیل نمی‌شد. به گفته سخنگوی انصارا...، هدف قرار دادن اسرائیل «در هیچ صورت» جزو مفاد توافق نبوده است. در نتیجه، هرچند سطحی از منازعه کاهش یافت، اما حملات انصارا... به اسرائیل ادامه داشت. در مقابل اسرائیلی‌های نیز به بمباران هوایی زیرساخت‌های یمین روی آوردند.

آتش بس غزه

وقتی اسرائیل و حماس بر سر طرح دونالد ترامپ برای آتش بس توافق کردند، بسیاری آن را فرصتی برای کاهش فوری تنش‌ها دانستند. به‌ویژه در شرایطی که عرصه منطقه‌ای به سرعت در حال تغییر بود. این در حالی است که حوثی‌ها بلافاصله پس از توافق، اعلام کردند به شرط تحقق مفاد توافق برای مدتی حملات عمده را متوقف خواهند کرد. تحلیل‌های مختلف پیش‌بینی می‌کند که حوثی‌ها اکنون با همه مسیر عمده مواجه‌اند که می‌تواند تعیین‌کننده جهت‌گیری آینده‌شان باشد. در سناریوی نخست انصارا... می‌تواند با تشدید درگیری‌های داخلی، قدرت خود را در داخل کشور مستحکم کند. این گزینه نه تنها برای فشار بر رقبای داخلی به کار می‌رود، بلکه می‌تواند موقعیت آنان را در مذاکرات منطقه‌ای تقویت کند. با این حال، ریسک بزرگی نیز دارد: منابع مالی و لجستیکی آنان در این مسیر تحت فشارند، و استمرار بحران اقتصادی می‌تواند مشروعیت داخلی‌شان را تضعیف کند. ادامه مسیر اصلی حوثی‌ها تاکنون، یعنی اختلال در امنیت کشتی‌رانی در دریای سرخ یکی دیگر از سناریوها است. البته این در شرایطی که فشارهای آمریکا همچنان بر این گروه ادامه داشته باشد. در این صورت، با توجه به نقاط ورود متعدد، از کشتی‌های متعلق به شرکت‌های اسرائیلی تا مسیرهای حیاتی نقل و انتقال انرژی، این گزینه همچنان در دسترس به نظر می‌رسد. حوثی‌ها ممکن است برای مدتی حملات را کاهش دهند، اما این کاهش اغلب به عنوان تاکتیکی موقتی دیده می‌شود، نه به عنوان تسلیم یا عقب‌نشینی استراتژیک. آنها ممکن است منتظر بمانند تا تحولات منطقه‌ای (از جمله فشار بر ایران، تحریم‌ها، یا حملات اسرائیل) به نقطه‌ای برسد که تصمیم تازه‌ای بگیرند.

موانع پایان درگیری‌ها

چند عامل اصلی مانع از آن می‌شود که حوثی‌ها به سادگی از سیاست فشار و پذیرش نقش حاشیه‌ای عبور کنند. حوثی‌ها خود را مدافع فلسطین، ضد آمریکا و اسرائیل، و بخشی از محور مقاومت می‌دانند. این هویت نمی‌تواند به راحتی کنار گذاشته شود. نکته دیگر اینجاست که عملیات منطقه‌ای و تبلیغ آنها به عنوان حامی مقاومت، بخشی از مشروعیت داخلی‌شان را تشکیل می‌دهد. توقف کامل می‌تواند مشروعیت‌شان را تضعیف کند. در این بین نزدیکی انصارا... به تهران نیز یکی از مولفه‌هایی است که می‌تواند در تصمیم‌گیری آنها درباره واکنش‌های آتی مؤثر باشد. حتی اگر آتش بس غزه دوام یابد، بسیاری از تحلیلگران معتقدند که میدان اصلی تنش بعدی دریای سرخ خواهد بود. حوثی‌ها می‌توانند حملات خود را از کشتی‌های با بار یا مالکیت اسرائیلی آغاز کنند و سپس دسترسی‌شان، اهمیت اقتصادی بالا و پیچیدگی امنیتی ویژه، گزینه‌ای مناسب برای آنان است. علاوه بر این، تحلیل‌هایی وجود دارد که می‌گویند اسرائیل و متحدانش ممکن است پس از توقف جنگ غزه، تهدید بیشتری را متوجه حوثی‌ها کنند؛ بنابراین فشار خارجی و حملات متقابل می‌تواند زمینه‌ساز از سرگیری تنش شود.